

اگر احساس خواب به شما دست داد در مکان امنی مانند پارکینگ‌های جاده‌ای، خودرو را متوقف کنید و از توقف در شانه بزرگراه خودداری کنید.

میانگین زمان حضور امدادگران در حوادث جاده‌ای به ۱۰ دقیقه رسید

رئیس سازمان امدادونجات جمعیت هلال احمر گفت: «در زمان حاضر میانگین حضور امدادگران و نجاتگران هلال احمر در رسیدگی به مصدومان انواع حوادث جاده‌ای حدود ۱۰ دقیقه و ۳۰ ثانیه است.» مرتضی سلیمی اظهار داشت: «قصد داریم در اجرای طرح ملی امدادونجات نوزده سال ۹۸ مدت زمان حضور امدادگران را با افزایش تعداد پایگاه‌ها، به هشت دقیقه برسانیم.» وی ادامه داد: «برای امدادسانی در طرح نوزده سال ۹۸، جمعیت هلال احمر ۳ هزار و ۴۷۸ دستگاه خودرو و توان لجستیکی از جمله هزار و ۲۸۲ خودروی امدادی، هزار و ۲۶۱ دستگاه آمبولانس، ۴۳۸ خودروی نجات، ۵۰ خودروی ویژه عملیاتی، ۱۱ خودروی ارتباطات، ۴۷۵ موتورسیکلت امدادی، ۱۲۲ موتور آمبولانس و ۲۴ بالگرد امدادی را به کار خواهد گرفت.»



مرور چهار دهه فعالیت در هلال احمر
 در گفت‌وگو با یکی از استادان پیشکسوت جمعیت

برای نجات زلزله‌زدگان با موتور از تهران به رودبار رفتیم

بم، تجربه بزرگی برای امدادگران بود

یاری به دیگران با زندگی اش عجین شده و همیشه خود را آماده کمک به مردم می‌داند. همین حس انسان دوستی بود که روزگاری او را در مسیر جمعیت قرار داد. برای رفتن به صحنه حادثه نیازی به آفتاب، هماهنگی یا خودرو ندارد. برای کمک به هموطنانش در رودبار سحرگاه با موتور آماتنی به کمک آسیب‌دیدگان می‌رود و همیشه آماده خطر است. تجربیات تلخ و شیرین خدمت در هلال احمر شده است بخش جدانشدنی زندگی اش. امدادگری است که آموخته‌های سالیان خدمت خود در زلزله بم، رودبار، کرمانشاه، جنگ تحمیلی و... را به صورت مکتوب ثبت کرده است تا کتابی باشد تجربی برای امدادگران جوان. استادی است که همواره در پشت پرده‌ای از حجب و حیا خود را پنهان کرده است. او شهریار مزیدآبادی است؛ امدادگر و استاد آواربرداری که از خاطر آتش و ماجراهایی که در این ۳۷ سال خدمت در جمعیت داشته است می‌گوید.



سال ۱۳۶۴ بمباران شهری بود و سال ۱۳۶۶ عراق موشک‌های تقویت شده را بر روی شهر می‌ریخت. مردم که ترسیده بودند، شهر را تخلیه می‌کردند. اما ما باید می‌ماندیم، گروهی در شهر می‌چرخیدیم، رد موشک‌ها را می‌گرفتیم و به سمت نقطه برخورد موشک می‌رفتیم؛ چون ثانیه‌ها در موشکباران مهم است.

زلزله رودبار بیشتر از زلزله‌های دیگر بود. در زلزله رودبار و منجیل، بخشی از طارم کلاز بین رفت. حتی در رشت دو ساختمان فروریخت. روزگار بدی بود و ما هنوز تجربه زلزله نداشتیم. آقای خدا بنده تجربه زلزله طبس را داشت و با ما متفاوت بود. بم، زلزله بزرگی بود و خسارت‌های زیادی به بار آورد.

نمی‌توانستند آنها را از راه زمینی انتقال دهند. برخورد ما با این اسرا کاملاً مانند مجروحان ایرانی بود؛ چون در سرشت و خون ما مجروح، مجروح است. جزو دستورات عمل‌های ما بود که بیطرف باشیم. از آن سو توقع داشتیم عراقی‌ها نیز با اسرای ما به همین صورت برخورد کنند و اگر غیر از این بوده باشد، باید پیش وجدان خود جوابگو باشند.

مسئولیت شما در زمان موشکباران چه بود؟
 آواربرداری، خارج کردن مصدومان، درمان، انتقال به بیمارستان و کمک به بازمانده‌ها. حتی ما از سکنه ساختمان‌هایی که آسیب دیده بودند نیز حمایت می‌کردیم و اقلام مورد نیاز را به آنها می‌رساندیم. جمعیت هلال احمر نهاد مهمی است. زمانی که سانحه‌ای اتفاق می‌افتد نیروهای امدادی هر کدام بخشی از فعالیت‌ها را انجام می‌دهند بنابراین مسئولیت ما تنها در حوزه کاری خودمان نبود و براساس نیاز لحظه‌ای وارد عمل می‌شدیم.

شما در کسوت امدادگر تاکنون وحشت کرده‌اید؟
 امدادگر هم انسان است و وحشت می‌کند ولی باید سریع خود را با محیط تطبیق دهد، چون همه منتظر واکنش او هستند. اضطراب امدادگر نمود چند برابری برای مجروحان دارد. ترس و دلپره باعث می‌شود نتوانیم به خوبی به مجروحان خدمات ارایه کنیم، این در حالی است که امکان دارد ما نیز خودمان آسیب ببینیم. بنابراین سعی می‌کنیم در نخستین اقدام با حفظ آرامش، علاوه بر کمک به مردم آنها را به سمت اسکان و زندگی تازه هدایت کنیم.

شما به عنوان یکی از امدادگران قدیمی که در عملیات‌های دفاع مقدس حضور داشتید قطار امداد را چگونه ارزیابی می‌کردید؟
 وقتی عملیات‌ها گسترده و فضای هوایی ناامن می‌شد، بهترین وسیله برای انتقال مجروحان به مراکز درمانی، نگاهتاها و... قطار امداد بود. جمعیت هلال احمر چندین واگن مختص حمل مجروح و واگن‌های تخصصی بیمارستانی داشت وقتی این واگن‌ها در کنار هم قرار می‌گرفتند یک بیمارستان مجهز برای درمان مجروحان ایجاد می‌شد.

تألیف کرده‌اید؟
 چهار جلد کتاب نوشته‌ام که دو جلد آن مختص آواربرداری و به سفارش آقای بیژن دفتری است. این کتاب بیان تجربیاتی است که از سال‌های اول کم‌کم یاد گرفتم.

مرحوم بیژن دفتری فرمانده اصلی عملیات‌های امدادی را در زلزله رودبار دیدید؟
 با بیژن دفتری قبل از زلزله رودبار آشنا شدم. دفتری همه کاره و امنیت کامل برخوردارند. ما پروتکل ژنورا داریم که از نیروهای امدادی حمایت می‌کند. با این حال دوبار به این قطار حمله هوایی شد که این تخلف بارز عراقی‌ها بود. یکبار بین اهواز و دزفول به سمت قطار بیمارستانی شلیک کردند که قطار سوخت و هنوز می‌توانید لاشه آن را نزدیک دوکوهه ببینید، این در حالی بود که چندین مرتبه توسط همین قطار مجروحان عراقی را جابه‌جا کرده بودیم.

یک خاطره از زمان فعالیت تان در جمعیت را برایمان بگویید.
 سال ۱۳۶۹ شب بازی اسکاتلند و برزیل در مسابقات جام جهانی، تهران لرزید. فکر کردیم طوفان و باد است. ساعت ۵ و نیم صبح بود. زنگ منزل ما بدون قطع نواخته شد. یک نفر دستش را روی زنگ گذاشته بود. وقتی پشت آیفون رفتیم، دیدم اسناد منوچهر عبدخاندانی موتور همسایه‌شان را قرض گرفته و به دنبال من آمده است. گفت: «خواهید؟» مردم زیر آوار زلزله رودبار دارند جان می‌دهند.» از همانجا و با همان موتور به رودبار رفتیم.

وظيفه مردم در هنگام بروز سوانح چیست؟
 انتظار می‌رود در سوانح مردم به هلال احمر اعتماد کنند؛ زیرا جمعیت تمام از کانش وقف زمان بحران است. تبلیغش برای رساندن کمک در روز واقعه است ما جزو محدود جمعیت‌های هلال احمر و صلیب سرخ هستیم که فراتر از اساسنامه و آیین‌نامه‌های تدوین شده کار می‌کنیم. امروز جمعیت هلال احمر به‌عنوان تأمین‌کننده اسکان اضطراری در منطقه، با داشتن داروخانه، سیستم دارویی و تجهیزات امدادی قوی نقطه اتکالی برای جمعیت صلیب سرخ است زیرا خارج از حوادث بین‌المللی به‌عنوان یک همکار صلیب سرخ جهانی به آنها کمک می‌کنیم.

از زلزله بم چه درسی گرفتید؟
 بم، یک تجمع بزرگ از کشورهای کمک‌کننده بود. سعی و پنج کشور برای کمک آمدند که اصلاً نیازی نبود این همه کشور برای کمک بیایند، چون ایران خود در این حوزه توانمند است. اما ارگان‌ها به‌صورت برنامه‌ریزی نشده عمل کردند و منجر به آفتگی در بم شد؛ به‌عنوان مثال همه آب مقطرها و بتادین‌ها را از شهرها جمع کردند و به بم فرستادند که این موضوع بیمارستان‌هایی را که مجروحان به آنها اعزام می‌شدند برای امور درمانی با مشکل مواجه کرد. همه ارگان‌ها مستقل وارد عمل شده بودند، هجمه بازدیدکننده‌ها بیشتر از تعداد سکنه شهر بود. رسیدگی، اسکان و غذای آنها به عهده هلال احمر بود، سرمایه زیاد و نوسان ۴۰ درصدی دما، کار امدادسانی را سخت‌تر کرده بود. نمی‌توانستیم مردم را در خیابان‌ها رها کنیم. این موارد کار جمعیت را سخت‌تر و نیروهای

بر اساس سوگند نامه جمعیت، نباید تفاوتی میان اسرای جنگی عراقی و رزمندگان و شهروندان ایرانی وجود می‌داشت. برخورد امدادگران ایرانی در مواجهه با اسرای عراقی چنین بود؟
 جمعیت هلال احمر یک نهاد چند وجهی است که در دوران جنگ تحمیلی از دوازده وجه هم گذشته بود. ما در جبهه، شهرها، اردوگاه اسرا و نگاهتاها برای درمان افرادی که از بیمارستان‌ها مرخص می‌شدند حاضر بودیم و باید برخوردمان با همه آنها به‌صورت یکسان بود.

آیا زلزله احتمالی شهر تهران قابل کنترل و امدادسانی است؟
 زلزله تهران بزرگ‌تر از حادثه سی چون چین نیست. سال ۲۰۰۸ این زلزله یک و نیم میلیون بی‌خانمان، ۸۰ هزار کشته و بیش از ۱۵۰ هزار مجروح داشت، ولی مهار شد. فقط لازم است آماده‌باشیم، آموزش‌های لازم داده شود و وسایلی و امکانات مورد نیاز مهیا باشد. امروز آموزش خیلی مهم‌تر از گذشته است. هنوز در کشور ما رویداد و اتفاق خیلی بزرگی نیفتاده است. وسعت همه این حوادث بجز جنگ، در مقابل سوانحی که در دنیا اتفاق می‌افتد خیلی کوچک است. ما هنوز تجربه مشابه زلزله‌های بزرگ در چین و ژاپن، طوفان و گردبادهای شدید و منهدم‌کننده را نداشته‌ایم و به لطف خدا در شرایط امنی هستیم. ولی پاسخگوی آن شرایط نیز هستیم.

از نظر شما به‌عنوان یک امدادگر که سال‌های سال در این حوزه فعالیت کرده و مدرس این حوزه هستید، امدادسانی در زلزله و جنگ چه تفاوتی دارند؟
 داستان زلزله با جنگ متفاوت است؛ سانحه و فاجعه‌ای منحصر به‌فرد است. زلزله را نمی‌توان با هیچ حادثه دیگری مقایسه کرد. می‌توان گفت گسترده اسیر عراقی است. چون تعداد این اسرا زیاد بود

بر اساس سوگند نامه جمعیت، نباید تفاوتی میان اسرای جنگی عراقی و رزمندگان و شهروندان ایرانی وجود می‌داشت. برخورد امدادگران ایرانی در مواجهه با اسرای عراقی چنین بود؟
 من در تبادل اسرا چندین بار مسئولیت داشتم؛ نخستین بار در عملیات فتح‌المبین از دزفول تماس گرفتند که یک هواپیمای جمبو جت ۷۴۷ حامل ۴۸۵ اسیر عراقی است. چون تعداد این اسرا زیاد بود



اگر احساس خواب به شما دست داد در مکان امنی مانند پارکینگ‌های جاده‌ای، خودرو را متوقف کنید و از توقف در شانه بزرگراه خودداری کنید.

اگر احساس خواب به شما دست داد در مکان امنی مانند پارکینگ‌های جاده‌ای، خودرو را متوقف کنید و از توقف در شانه بزرگراه خودداری کنید.

اگر احساس خواب به شما دست داد در مکان امنی مانند پارکینگ‌های جاده‌ای، خودرو را متوقف کنید و از توقف در شانه بزرگراه خودداری کنید.

اگر احساس خواب به شما دست داد در مکان امنی مانند پارکینگ‌های جاده‌ای، خودرو را متوقف کنید و از توقف در شانه بزرگراه خودداری کنید.

اگر احساس خواب به شما دست داد در مکان امنی مانند پارکینگ‌های جاده‌ای، خودرو را متوقف کنید و از توقف در شانه بزرگراه خودداری کنید.

اگر احساس خواب به شما دست داد در مکان امنی مانند پارکینگ‌های جاده‌ای، خودرو را متوقف کنید و از توقف در شانه بزرگراه خودداری کنید.